



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۱/۱۲/۱۵

محمد نصیر فیاض

تنگنای بحران سیاست خارجی حکومت البان در سیمای اقتصاد ملی



برخلاف تعریف سنتی سیاست خارجی در قرن ۱۹ و اواخر قرن ۲۰ سیاست خارجی دیگر آیینی ای سیاست داخلی در حوزه بین المللی و در روابط مجزا با سایر کشورها نیست تا بازیگران سیاسی بر مبنی گرایش های ذهنی تک محورانه یا تلاش در اعمال قواعد جزم گرایانه انتزاعی، روابط سیاسی و دیپلماتیک با دولت ها و نهادهای بین المللی را تعریف کنند، بلکه سیاست خارجی در چارچوب قواعد حاکم جهان امروز، عبارت از تعامل معقول و چندپهلوی ای دولتها، مبتنی بر مجموعه ضوابط و عوامل ای تاثیرگذاری است که مسیر بازیگران سیاسی را در یک کانتکست جهانی شده، میان کشورها و نهاد های بین المللی تعریف و بازتعریف می کند. در میان این همه قواعد در حال دوران، دیگر کشورهای دنیا دارای استقلال مطلق نیستند و هیچ دولت ای مخصوصاً جهان سومی توان مهار فکتورهای تاثیرگذار مثل سیاست دالر، تاثیرپذیری رسانه های آزاد، بحران محیط زیست، بحران آب و تغییرات اقلیم تا مهاجرت های گروهی را به تنهایی نخواهند داشت حتی کوچک ترین تغییر در سیاست های نهاد های اقتصادی برتون و دز (بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی) می تواند تعداد کشورهای جهان سومی را تا ورطه ای بحران و شکست نزدیک کند. در این میان کشورهای بیشترین سود را خواهند برد که دستگاه های تصمیم ساز سیاست خارجی شان هنر تعامل با سیاست های جهانی را بر مبنای فنون حاکم دیپلماسی و منافع ملی مسیر دهند. در اغلب این موارد، رقابت برای تعیین این جایگاه، حکومت ها را قبل از همه ملزم بر تعریف مشروعیت سیاسی و منافع ملی در حوزه ای سیاست داخلی می سازد تا برپایه آن پندارهای معقول و با پشتوانه باورملی تصمیم سازی های دولت را یکدست و بهینه سازی کند. نکته که فقدان آن سیاست خارجی افغانستان را طی بیست سال پسین شدیداً امنیتی ساخته و جزیره های متعدد قدرت در کنار و یا از میان حکومت های مرکزی، کانال های (استخباراتی - سیاسی) (با کشورهای رقیب بر سر افغانستان را برخلاف حکومت های مرکزی این کشور باز گذاشته اند.

بعد از فرار غیر مسولانه رئیس جمهور غنی و تیم فاسد اش، ت البان تا به حال نتوانستند در هردو حوزه (تعریف ساختار سیاسی قابل اقتناع ملی و کنترل فکتورهای خارجی بر سیاست داخلی) از تجربه های ناکام نظام قبلی استفاده کنند. ادامه رویکرد جزم گرایانه در میانه رده های تصمیم ساز ت البان بر سر تشکیل حکومت همه شمول ملی، مجموعه میکانیسم های شایسته سالاری در ارایه خدمت به مردم را دور زده است درحالیکه اتکای تصمیم ت البان برپایه تنها دال های شناور تقوا و تعهد، فکتورهای اعمال دیپلماسی کارا و مبتنی بر تخصص و مسلک را از سایر دال های حکومتداری خوب حذف کرده است. ناگفته نماند که منظور از تشکیل حکومت همه شمول نزد افغان ها به هیچ عنوان جایگزین رهبران فاسد و مهره های سوخته نظام قبلی نیست و در حالیکه به همان میزان که ساختار غیرمسلکی موجود در پست های تخنیکی دو گروه حاکم در میان ت البان چلنج برانگیز بوده، وجود تکنوکرات های مسلکی فاسد و غیرمتعهد به افغانستان نیز چلنج های پی در پی را در چارچوب ارایه خدمت به مردم از مجرای جمهوریت سه نفره اشرف غنی ایجاد کرده بود.

با این وجود عدم بازبینی کابل در سیاست کادری اش از یکطرف و ادامه تنش سیاسی جهان در عدم رسمیت پذیری امارت اسلامی ت البان از جانب دیگر می تواند احتمال چالش های ذیل را در ابزار فشار اقتصادی علیه مردم ایجاد کند:

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په څير و لولئ

۱ - جهان ظاهراً نگران سقوط نظام اقتصادی افغانستان است در حالیکه این نظام عملاً در حال فروپاشی است و مبادله ۱۲۵ افغانیگی هر یک دالر نشانه های بدی از انفلاسیون دهنده در افغانستان است که عدم مهار فوری آن می تواند تالبان را یکبار دیگر در همان جایگاه دور قبلی حکومتداری شان از نظر سیاسی - اقتصادی قرار دهد. یعنی یک خریطه پول معادل یک سیر آرد و فاجعه اقتصادی بزرگ. بدون تردید پاسخ اینکه ما مسولیت نفقه شما را نداریم و شما رزق را از خدا بخواهید زیبنده ای مدعی یک حکومت اسلامی نخواهد بود، حتی در زمان پیامبر اسلام و خلفای راشدین هم مسولیت پذیری در برابر اقتصاد مردم وجود داشت و بدون شک خداوند رزق و نفقه ای مردم را از آسمان فرو نخواهد ریخت.

۲ - ادامه تنش در سیاست پولی و عدم توانمندی در کنترل آن از جانب رهبری امارت و ریاست بانک مرکزی، بانک ها در افغانستان را به ورطه ای ورشکست مواجه خواهد ساخت. نکته که تبلور آن در حوزه اعتبار اقتصاد سیاسی بین الملل مانع اکثریت مطلق معاملات اقتصادی دنیا با افغانستان خواهد شد.

۳ - پاکستان همچنان بازیگر برتر در حوزه اقتصاد و سیاست افغانستان خواهد بود. پنجاب بر اهداف بزرگ انحصار مارکیت آسیای مرکزی از مجرای ترانزیت بی مصرف افغانستان رسیده است. همزمان اسلام آباد تلاش خواهد کرد تا شاهد فعال شدن سرعت مجاری قاچاق سرمایه های ملی (تجهیزات مدرن نظامی تا بسته های دالر و ابزارهای اقتصادی) این کشور به پاکستان باشد.

۴ - در میان همه چلنج های ذکر شده، نقطه قابل نگرانی برای تالبان چالش های مهار سر بازگیری خلافت اسلامی داعش از میان جوانان بیکار و گرسنه ای این سرزمین است. نرخ روز افزون بیکاری، فقر و گرسنگی و عدم اراده خدمات قابل اقتناع برای مردم تمهیدات جذب تعداد انبوه از جوانان در حرکت های خلاف نظام حاکم را تقویت خواهد کرد. در حالیکه برای مطرح ساختن پروژه داعش در افغانستان برخی کشورهای بزرگ منطقه و دنیا در چارچوب یک رقابت غیرمستقیم سلبی قبلاً سرمایه گذاری و صف آرایی کرده اند و تلاش خواهند کرد تا بحران امنیتی در حال ایجاد را به نفع خودشان مدیریت کنند.

در نتیجه کابل هنوز کارت های بی شمار مهار اوضاع را در دست دارد و اگر برای ایجاد سیاست گذاری های حوزه داخلی و خارجی پر تلاطم این کشور، رده های تصمیم ساز امارت به این واقعیت پی برده باشند که جنگ آسان تر از سیاست در این سرزمین است و برای اجرای یک سیاست کارا هماهنگ شوند می توانند نگرانی ایجاد فاجعه بزرگ اقتصادی را از فرار گروهی مغزها تا فروش فرزندان خانواده های گرسنه برای دریافت لقمه نان ای منتفی کنند. بدون تردید عدم محاسبه سیاسی و موضع گیری غرور آمیز در سیاست، تبعات غیر قابل جبران را برای حاکمیت سیاسی تالبان می تواند ایجاد کند که قربانی اصلی آن فقیرترین مردم این سرزمین خواهد بود.